



تبیین نقش هشام کلبی در فرهنگ و تمدن اسلامی

دکتر اصغر منتظرالقائم
وحید سعیدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۳

منتظرالقائم، اصغر، ۱۳۳۷ -

تبیین نقش هشام کلبی در فرهنگ و تمدن اسلامی / اصغر منتظرالقائم، وحید سعیدی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۳۹۳. نه، ۱۷۴ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۹۶: تاریخ؛ ۶۳)

ISBN: 978-600-298-055-7

بها: ۶۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۴۵] - ۱۵۳؛ همچنین به صورت زیرنویس. نمایه.

۱. ابن کلبی، هشام بن محمد - ۲۰۴ق. ۲. دانشمندان اسلامی - سرگذشت‌نامه. الف. سعیدی، وحید، ۱۳۶۱. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۲۹۷/۹۹۸

BP۵۴/۱/الف/۱۳۹۳م

۳۶۹۴۰۶۷

شماره کتابشناسی ملی



تبیین نقش هشام کلبی در فرهنگ و تمدن اسلامی

مؤلفان: دکتر اصغر منتظرالقائم، وحید سعیدی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۲۹۶؛ تاریخ: ۶۳)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد. این کتاب به عنوان منبع درسی در زمینه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تاریخ نگاری اسلامی و مکاتب تاریخ نگاری اسلامی در رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره ارشد و

دکتری فراهم آمده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسندگان گرامی، آقایان دکتر اصغر منتظرالقائم و وحید سعیدی همچنین ارزیاب محترم طرح، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدهادی یوسفی غروی تشکر و قدردانی نماید.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: تبیین موضوع و اهمیت آن

کلید واژه‌ها	۶
اهداف تحقیق	۸
پرسش‌ها و فرضیه‌ها	۸
پیشینه تحقیق	۹
روش تحقیق و مراحل آن	۱۰
معرفی، نقد و بررسی منابع	۱۰
۱. قرآن کریم	۱۱
۲. فهرست‌ها	۱۱
الف) فهرست ابن ندیم	۱۱
ب) رجال نجاشی	۱۲
۳. کتاب‌های طبقات	۱۳
الف) الطبقات الکبری ابن سعد	۱۴
ب) الطبقات خلیفه بن خیاط	۱۴
۴. فرهنگ‌نامه‌ها	۱۶
الف) معجم‌الادباء یاقوت حموی	۱۶
ب) وفيات الاعیان ابن خلکان	۱۷
۵. کتاب‌های انساب	۱۷
الف) جمهرة النسب هشام کلیبی	۱۸
ب) انساب الاشراف بلاذری	۱۹
ج) الانساب سمعانی	۱۹
۶. منابع فتوح	۲۱

۲۱ الف) فتوح البلدان بلاذری
۲۱ ۷. تاریخ‌های عمومی
۲۲ الف) کتاب تاریخ طبری
۲۴ ۸. منابع جغرافیایی
۲۴ الف) مختصر البلدان ابن فقیه
۲۴ ب) معجم البلدان یاقوت حموی

فصل دوم: شرح حال هشام بن محمد بن سائب کلبی

۲۷ خاندان کلبی
۲۸ مذهب خاندان کلبی
۳۰ محمد بن سائب کلبی
۳۲ هشام بن محمد
۳۴ فرزندان هشام
۳۴ عباس بن هشام
۳۴ ولید بن هشام
۳۵ انیف بن هشام
۳۵ ارتباط هشام با حُکام سیاسی
۳۷ منزلت روایی هشام
۴۰ مشایخ هشام
۴۰ محمد بن سائب کلبی
۴۱ ابو حکم عوانة بن حکم عیاض کلبی کوفی
۴۱ ابو مخنف ازدی کوفی
۴۲ ابو مثنی شرقی ابن قطامی بن جمّال کوفی
۴۳ راویان هشام
۴۳ خلیفة بن خیاط
۴۳ محمد بن سعد
۴۴ محمد بن ابی السری البغدادی
۴۴ آثار هشام بن محمد بن سائب کلبی
۵۴ آثار باقی مانده از هشام
۵۴ کتاب مثالب العرب
۵۵ اسواق العرب
۵۵ کتاب اخبار بکر و تغلب
۵۵ جمهرة النسب
۵۶ نسب معد و الیمن الکبیر

۵۶ الاصنام
۵۶ آثار مفقود شده هشام
۵۷ علت فراوانی آثار هشام
۵۸ علل از بین رفتن آثار هشام
۵۹ بررسی امکان احیای آثار مفقود شده هشام کلی
۶۲ مراحل کار برای احیای متون مفقود شده هشام
۶۲ الف) آشنایی با زمینه‌های تحقیقاتی هشام و آثار او
۶۲ ب) دسته‌بندی آثار هشام
۶۳ ج) آشنایی با شیوه‌های نقل قول
۶۴ د) آشنایی با مشایخ و راویان هشام
۶۵ ه) گردآوری روایات هشام
۶۵ منابع قرن سوم
۶۵ طبقات ابن سعد
۶۷ روایات هشام کلی در تاریخ خلیفه بن خنیس
۶۷ روایات هشام در فتوح البلدان بلاذری
۶۸ روایات هشام در انساب الاشراف بلاذری
۷۰ الحيوان جاحظ
۷۰ المحبر محمد بن حبيب
۷۰ قرن چهارم
۷۰ تاریخ طبری
۷۱ الاغانی ابوالفرج اصفهانی
۷۳ مروج الذهب مسعودی
۷۳ قرن پنجم
۷۳ تاریخ بغداد
۷۳ قرن ششم
۷۳ تاریخ مدینه دمشق
۷۶ المنتظم ابن جوزی
۷۷ قرن هفتم
۷۷ معجم البلدان یاقوت حموی
۷۷ قرن هشتم
۷۷ مرصد الاطلاع صفی الدین بغدادی
۷۷ قرن نهم
۷۷ الاصابة فی تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی

فصل سوم: نقش هشام بن محمد در نسب شناسی

۸۱	معنا و مفهوم نسب
۸۱	علم نسب شناسی
۸۲	توجه اعراب به نسب
۸۴	توجه به نسب در دوره اسلامی
۸۴	توجه قرآن کریم به نسب
۸۵	توجه احادیث به نسب
۸۶	عوامل مؤثر بر رشد نسب نگاری در اسلام
۸۹	شکل گیری مکتب نسب نامه نویسی کوفه (عراق)
۹۰	نقش هشام در نسب نامه نویسی مکتب کوفه
۹۲	نقد و بررسی اخبار در نسب سازی های هشام
۹۳	انواع کتاب های نسب نامه نویسی
۹۴	کتاب های هشام بن محمد در موضوع نسب
۹۵	بررسی مهم ترین آثار هشام در زمینه نسب شناسی
۹۵	جمهره النسب
۹۸	نسب معد و الیمن الکبیر
۱۰۱	کتاب انساب الخیل فی الجاهلیة و الاسلام و اخباره
۱۰۱	روش نگارش کتاب

فصل چهارم: بررسی نقش هشام بن محمد بن سائب کلبی در مکتب (مدرسه) تاریخ نگاری عراق

۱۰۵	شکل گیری و ویژگی تاریخ نگاری عراق
۱۰۷	ویژگی های مکتب تاریخ نگاری عراق
۱۰۹	نقش هشام در تاریخ نگاری عراق
۱۱۱	گونه های تاریخ نگاری هشام
۱۱۱	فتوح نگاری
۱۱۲	کتاب های فتوح هشام
۱۱۲	فتوح فارس
۱۱۳	کتاب فتوح العراق
۱۱۳	فتوح خراسان
۱۱۴	فتوح شام
۱۱۴	تک نگاری در مسائل و وقایع مهم
۱۱۵	کتاب های مقتل
۱۱۷	کتاب های ایام العرب
۱۱۸	المبیسر و القداح
۱۱۹	فتن و ملاحم

۱۱۹	وفدنگاری
۱۲۰	گونه‌شناسی دینی
۱۲۰	ریشهٔ بت‌پرستی در میان اعراب

فصل پنجم: بررسی نقش هشام کلبی در دانش جغرافیا

۱۲۳	شکل‌گیری علم جغرافیا در تمدن اسلامی
۱۲۴	دانش جغرافیا نزد مسلمانان
۱۲۶	نقش هشام در جغرافیای اسلامی
۱۲۹	روایات جغرافیای هشام در منابع دیگر
۱۲۹	الف) معجم البلدان یا قوت حموی
۱۳۱	ب) مراصدالاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع صفی الدین بغدادی
۱۳۱	ج) البلدان ابن فقیه
۱۳۲	د) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم مقدسی
۱۳۳	کتاب‌های فتوح
۱۳۳	سبک جغرافیانگاری هشام
۱۳۳	جغرافیای لغوی
۱۳۵	بلدان نویسی
۱۳۸	عجائب نویسی
۱۳۹	ویژگی نوشته‌های جغرافیایی هشام با توجه به روایات او
۱۴۲	نتیجه

منابع و مأخذ

۱۵۲	مقالات
۱۵۳	پایان نامه‌ها

نمایه‌ها

۱۵۵	نمایه آیات
۱۵۶	نمایه روایات
۱۵۷	نمایه مکان‌ها
۱۶۱	نمایه اشخاص

مقدمه

یکی از راه‌های بررسی چگونگی رشد و بالیدن تمدن‌ها کاوش در آثاری است که از نخستین دوران شکل‌گیری آن تمدن به وجود آمده‌اند و بنیان علمی آثار بعدی را گذاشته‌اند. با نگاهی به منابع و کتاب‌های فهرست مانند الفهرست ابن‌ندیم این موضوع قابل بررسی است. ابن‌ندیم از دانشمندانی نام می‌برد که در زمینه‌های گوناگون علمی دارای آثاری هستند. هرچند در دوران اولیه اسلامی علم مطلوب و مورد پسند بیشتر حول مسائل دینی و قرآن و عناوینی مانند حدیث، تفسیر، علم اللغه، تاریخ، انساب و... بود؛ اما در این میان بودند کسانی که در علوم دیگر نیز نوشته‌هایی داشتند. بررسی عناوین و مقایسه آن با دوره طلایی تمدن اسلامی این نظر را به ذهن متبادر می‌کند که این افراد با نوشته‌های هرچند ساده و اولیه خود پیشگامان و بنیان‌شکل‌گیری و تحول علوم بوده‌اند. از ویژگی‌های نوشته‌های این دوران عطش سیری ناپذیر نویسندگان آنها در کسب علم و حفظ میراث علمی گذشتگان است که با نهایت توان خود سعی در آموختن، نوشتن و یاد دادن علوم به دیگران داشته‌اند. شناخت شخصیت‌های بزرگ تمدن اسلامی، بررسی آثار آنها و قضاوت در محتوای آنها با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی آن دوره می‌تواند در ارتقای سطح و کیفیت علمی تمدن اسلامی کمک‌کار باشد. این تحقیقات فضای حاکم بر جامعه، حکومت و روابط بین عالمان آن دوره را برای ما تبیین می‌کند. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که طلوع و افول تمدن‌ها و پیشرفت‌ها و رکودهای علمی آنها، گذشته از اینکه از شرایط بیرونی می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد و رو به افول برود بیشترین ضربه‌ها از دل خود جامعه بر پیکر تمدن وارد می‌شود و به‌طور متقابل بیشترین نیرو و قوه محرکه نیز که باعث رشد و اعتلای یک تمدن می‌شود از خارج نیست بلکه این توان فکری و معرفتی به‌همراه پشتکار

عاملان و نخبگان علمی و اجتماعی است که تمدن را شکوفا می‌کند و با کمک این توانمندی است که همراهی تمدن‌های دیگر می‌تواند مفید باشد. رشد تمدن مرهون تلاش همه گروه‌های فکری-مذهبی و اقشار یک جامعه است. رشد تمدن اسلامی بیانگر نقش همه گروه‌هاست و در عوض وقتی اختلافات مذهبی زبانه کشید توان گروه‌های اجتماعی از چرخه علم و تمدن‌سازی به ورطه تقابل و تمدن‌سوزی کشیده شده که حاصل آن جز رکود علوم عقلی و تجربی نبود.

با مطالعه در آثار دانشمندان بزرگ اسلامی می‌توان به نقش هر کدام از گروه‌های فکری در چرخه تولید علم پی برد. هرچند گاهی با یک مقایسه اشتباه همه مذاهب اهل سنت را در یک جبهه واحد در برابر شیعه از نظر تولید علم قرار داده‌اند و حاصل این خلط کم‌جلوه نمودن نقش شیعیان در تولید علم است. بخشی از این اشتباه به عدم تفکیک فرق اهل سنت باز می‌گردد و بخش دیگر نتیجه کم‌کاری شیعیان در شناخت بزرگان علمی خود و شناساندن آنها به دیگران می‌باشد. نقش ائمه شیعه (علیهم‌السلام) در تولید علم و آموزش عالمان در تمدن اسلامی بسیار برجسته است و شاگردان آنها نیز آثار بی‌شمار در علوم اسلامی، عقلی و تجربی نگاشتند و بسیار منشأ اثر بوده‌اند به سانی که یونس بن عبدالرحمان از صحابه امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) تعداد سی اثر از خود به جای گذاشت. همان‌گونه که رهبران فرق و مذاهب اهل سنت نیز جزو شاگردان امامان شیعه (علیهم‌السلام) بوده و خود به این موضوع اعتراف کرده‌اند.

نکته دیگر اینکه بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های انجام گرفته در علوم انسانی به‌ویژه تاریخ برگرفته از آرای مستشرقان است و ما خواسته یا ناخواسته در زمینی بازی می‌کنیم که بانیان آن مستشرقان هستند. ما نتایج تحقیقات آنها را در مواردی بدون تحقیق تکرار می‌کنیم. نتیجه اینکه به فرموده مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای: «ما متأسفانه از گذشته نیز منقطعیم. جوان‌های ما تاریخ علمی را نمی‌شناسند. این یکی از ضعف‌های ماست که البته سفارش شده، گفته شده که در این زمینه - در زمینه تاریخ علم در ایران - کار شود» نتیجه تکیه به آرای مستشرقان در مواردی منجر به تنزل دادن مرتبه علمی و نقش دانشمندان مسلمان در چرخه علم به‌عنوان واسطه انتقال علوم از یونان به تمدن جدید غربی است و اگر ابتکار و اندیشه‌ای نیز بوده در مقایسه با علوم یونانی ناچیز نشان داده شده است و نقش اصلی را به ترجمه متون یونانی داده‌اند، برای مثال در علم جغرافیا نقش هشام به جغرافیای لغوی محدود می‌شود و شکل‌گیری جغرافیا در اسلام حاصل ورود اندیشه‌های یونانی دانسته شده است. بدین سان بر محققان

تاریخ علم است که نقش دانشمندان اسلامی را به درستی نشان داده و سرمایه اجتماعی مسلمانان را به خوبی باز نمایند، زیرا تولید سرمایه اجتماعی نشان از تولید انبوه سرمایه نمادین یک ملت می‌باشد. این سرمایه اجتماعی است که می‌تواند خود باوری در فرهنگ و تمدن و تفکر را به وجود آورد.

از جمله شخصیت‌های مؤثر در تمدن اسلامی که در قرن دوم هجری می‌زیسته می‌توان از هشام بن محمد بن سائب کلبی یاد کرد. او یکی از پرکارترین و پرتألیف‌ترین دانشمندان اسلامی است. با مراجعه به منابع کتاب‌شناسی کهن اسلامی چون: الفهرست ابن ندیم و معجم‌الادباء و همچنین منابع رجالی مانند: رجال نجاشی می‌توان به گستره وسیع فعالیت وی پی‌برد. گستره‌ای که کتاب‌های پیرامون علوم مرتبط با قرآن، تاریخ، انساب، جغرافیا و دین‌پژوهی و... را در بر می‌گیرد. وسعت میدان تحقیق هشام سبب شده تا بسیاری از منابع متأخر از نوشته‌ها و اقوال وی متأثر شوند. نقش هشام در تاریخ‌نگاری مکتب عراق فراتر از آن است که او را به یک اخباری تک‌نگار در این مکتب محدود کنیم. میزان روایات او در منابع دیگر، نوع روایات و راه‌های کسب خبر، منابع او، آوردن نظرات مکتب کوفه و نظرات مکاتب دیگر، ورود و فتح باب در مباحث جدید که در همه زمینه‌های کاری او مشهود است، نشان از جایگاه برجسته اوست.

با این حال تاکنون در مورد شخصیت و نقش او در فرهنگ و تمدن اسلامی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. این کتاب با هدف معرفی و تبیین نقش وی در میراث تمدن اسلامی به انجام رسیده است. شایان توجه است بسیاری از آثار هشام از میان رفته‌اند و تنها راه برای نیل به این منظور جمع‌آوری روایات هشام از لابه‌لای منابع بود که این پراکندگی در میان انبوهی از کتاب‌ها، خود کوششی مضاعف می‌طلبید. کتاب اسواق العرب نیز با وجود اشاره بروکلیمان به چاپ آن، نسخه‌ای از آن پیدا نشد از این رو جمع‌آوری روایات این کتاب نیز در منابع دیگر انجام شد. حاصل کار به صورت تحقیقی و تحلیلی در فصول زیر ارائه شده است:

فصل اول: تبیین موضوع و اهمیت آن؛

فصل دوم: شرح حال هشام بن محمد بن سائب کلبی؛

فصل سوم: نقش هشام بن محمد در نسب‌شناسی؛

فصل چهارم: بررسی نقش هشام بن محمد بن سائب کلبی در مکتب (مدرسه) تاریخ‌نگاری عراق؛

فصل پنجم: بررسی نقش هشام کلبی در دانش جغرافیا.

در راه انجام این تحقیق مشکلاتی از جمله مفقود بودن بسیاری از آثار هشام و پراکندگی آنها در منابع گوناگون و عدم دسترسی کامل به آنها در پیش رو بود که به لطف خداوند همه آنها برطرف گردید. در پایان جا دارد از همه همکاران و مدیریت و کارشناس گروه تاریخ و معاون آموزشی، پژوهشی و فناوری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و همچنین ویراستار و صفحه آرا و کارکنان امور چاپ این پژوهشگاه به واسطه قبول زحمات آماده‌سازی و چاپ و نشر این کتاب تشکر و قدردانی نمائیم.

اصغر منتظرالقائم-وحید سعیدی

پاییز ۱۳۹۳

فصل اول

تبیین موضوع و اهمیت آن

در فاصله میان ظهور اسلام و گسترش آن تا عصر طلایی تمدن اسلامی در قرن چهارم، بی شک تمدن اسلامی مرهون دانشمندان بزرگی است و مبانی و پایه‌های علمی و فرهنگی و تمدنی آن با تکیه بر عوامل تمدن‌ساز و بر روی یافته‌ها و تلاش‌های افراد بزرگی بنا شد که چندان شناخته شده نیستند. این افراد با نوشته‌های خود پیشگامان و بانیان شکل‌گیری علم و تمدن و تحول آن در جهان اسلام بودند. از جمله شخصیت‌هایی که در این دوران می‌زیسته‌اند می‌توان از هشام‌بن محمد بن سائب کلبی یاد کرد. او یکی از پرکارترین و پرتألیف‌ترین دانشمندان اسلامی است. با مراجعه به منابع کتاب‌شناسی کهن، چون الفهرست ابن‌ندیم و الفهرست شیخ طوسی و فرهنگ‌نامه‌هایی همچون معجم‌الادباء و منابع رجالی همچون رجال نجاشی می‌توان به گستره وسیع فعالیت وی پی‌برد، تا جایی که بسیاری از منابع متأخر از نوشته‌ها و اقوال وی بسیار متأثر بوده‌اند. با این حال، تاکنون درباره شخصیت و نقش او در تاریخ‌نگاری اسلامی و تمدن اسلامی تحقیق مستقلی نشده است.

سخن گفتن از این شخصیت تمدن‌ساز و زندگی و گرایش سیاسی و مذهبی وی و مشایخ، راویان و میزان ثقه‌بودن آنها از ضروریات تاریخ‌نگاری اسلامی است. نکته دیگر اینکه با توجه به حجم قابل ملاحظه روایات و اخبار وی در آثار دیگران، آیا آثار مفقود شده هشام کلبی قابل احیای مجدد است؟

این پژوهش با تکیه بر منابع دسته اول تاریخی، فرهنگ‌نامه‌ای، رجالی، فهارس و تحلیل روایت‌های باقی مانده از هشام‌بن محمد کلبی در میان منابع مکتوب، بر آن است تا ضمن معرفی خاندان او، به تحلیل و تبیین نقش تمدن‌ساز وی در تمدن اسلامی بپردازد و نقش او را در تاریخ‌نگاری اسلامی و علم جغرافیا و نسب و دین‌شناسی بررسی کند.

کلید واژه‌ها

– هشام کلبی: ^۱ ابومنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی اخباری، نسب شناس، جغرافی دان، شیعه مذهب و از نظر برخی رجال شناسان، مورد وثوق است. او از پدرش و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. او در سال ۲۰۴ وفات نمود (اعلمی حائری، ۱۴۱۳، ص ۴۱۶).

– تاریخ نگاری: ^۲ توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان را به هر روش و مبتنی بر هر مکتب و رعایت هر شیوه تنظیم و تدوین، می توان تاریخ نگاری خواند که در معنای خاص، بر ثبت وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می شود (سجادی، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

– جغرافیا: ^۳ تقریباً ۲۳۰۰ سال قبل، اراتوستن دانشمند بزرگ یونانی، برای نخستین بار، کلمه جغرافیا را به کار گرفت و از آن زمان تاکنون، جغرافیا به عنوان یکی از قدیمی ترین رشته های علمی شناخته می شود. اراتوستن از جغرافیا تعریفی این چنین ارائه می دهد: مطالعه زمین به عنوان جایگاه انسان (شکوئی، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

– تمدن: ^۴ تا سال ۱۹۲۰ م. مردم شناسان و دانشمندان علوم سیاسی تفاوتی میان تمدن و فرهنگ نمی گذاشتند؛ ولی با تلاش آلفرد وبر، به کارکردهای فنی و عینی جامعه تمدن اطلاق شده و به امور غیر مادی و ذهنی مانند دین، هنر و فلسفه، فرهنگ گفته می شود (آشوری، ۱۳۵۷، ص ۴۵). واقعیت این است که هنوز یک توافق جمعی بر سر تعریف های فرهنگ و تمدن صورت نگرفته، به گونه ای که شپرد بی کلاو معتقد است: تمدن به مجموعه دستاوردهایی اطلاق می شود که در زمینه های علمی و هنری بشر نظیر معماری، نقاشی، ادبیات، مجسمه سازی، موسیقی، فلسفه و علوم به ثمر نشسته است (کلاو، ۱۳۷۰، ص ۲۱). در عین حال وی معتقد است فرهنگ پایه گذار و سازنده تمدن است (کلاو، ۱۳۷۰، ص ۱۹). کروبر، انسان شناس آمریکایی معتقد است دو اصطلاح فرهنگ و تمدن در برگیرنده یکدیگرند و اساساً در برخی موارد با تفاوت های جزئی مترادف – نه متباین و متضاد با یکدیگر – به کار رفته اند، زیرا هر دو به گونه ای بیان کننده سطوح گوناگون و متمایز موضوعی مشابه هستند (گلین، ۱۳۶۳، ص ۱۱). در کتاب حاضر نیز تمدن و فرهنگ مترادف یکدیگر گرفته شده است.

– مکتب عراق: ^۵ دیدگاه و شیوه ای خاص در تاریخ نگاری اسلامی هست که به مورخان عراق، یا به بیان دقیق تر، به مورخان بصره و کوفه منسوب و متعلق است که در عصر خلافت عمر

1. Hesham ibn Al-Kalbi.
3. geography.
5. Iraq school.

2. historiography.
4. civilization.

در سال‌های چهاردهم و هفدهم هجری، به‌عنوان دو پادگان نظامی بنیاد نهاده شد و به‌زودی به مهم‌ترین منطقه‌های تجمع قوای نظامی مسلمانان برای لشکرکشی به سرزمین‌های شرقی مبدل شدند. این دو شهر طی سده اول و دوم هجری با مهاجرت صحابه و تابعین به آنها، ویژگی‌هایی پیدا کردند که از عوامل رشد علوم اسلامی و به‌ویژه ظهور تاریخ‌نگاری عراق به‌شمار می‌آیند. در مورد تاریخ‌نگاری اسلامی در قرن‌های آغازین و شکل‌گیری آن، نظر کلی بر این است که تاریخ‌نگاری در دو خط متمایز از همدیگر شکل گرفت؛ جریان اسلامی و جریان قبیله‌ای که تمام جنبه‌های حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد. هر یک از این خط‌ها در یکی از مراکز مهم جهان اسلام در آن دوران پیگیری شد. جریان اسلامی، که در مدینه، مهد اسلام، ظهور یافت و خط قبیله‌ای که در کوفه و بصره دنبال شد. نوع قبیله‌ای تاریخ از علاقه به فعالیت‌ها و امور قبیله مایه گرفت. این نوع تاریخ‌نگاری از نظر محتوا و سبک ادامه مستقیم داستان‌های ایام و گزارش‌های انسابیان بود که یکسره به سوی ایام و فتوحات اسلامی هدایت شد (آژند، ۱۳۶۱، ص ۸۹-۹۰)؛ اما مکتب مدینه رنگ و بوی دینی داشت. محتوای آن سیره و مغازی پیامبر اکرم ﷺ و فرم بیان آن ذکر احادیث با آوردن سلسله اسناد راویان آن بود؛ اما اساس کار مکتب عراق بر اخبار قرار داشت (روزنتال، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲-۲۳؛ سجادی، ۱۳۸۰، ص ۵۵).

– مقتل^۱: شاخه‌ای از دانش تاریخ‌نگاری است که به بیان سرگذشت شهیدان با شرحی از مکان و زمان شهادت آنان، از زبان راویان پرداخته می‌شود و هدف آن حفظ و ثبت اخلاص و ایثار مردان حق است (آئینه‌وند، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۰). مقتل‌نویسی یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری کوفه است و آثار سترگی در این‌باره مثل مقتل ابومخنف برجای مانده است.

– تاریخ‌نگاری فتوح^۲: در روزگار خلفای نخستین، مجاهدان مسلمان سرزمین‌های بسیاری را فتح کردند. دستگاه خلافت برای وضع جزیه و خراج ناگزیر بودن درباره چگونگی فتح کردن با جنگ، یا با صلح و میزان خراج و آگاهی‌های جغرافیایی مثل محصولات و آیین این سرزمین‌ها اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند. بدین‌سان تاریخ‌نگاری فتوح شکل گرفت. این روش به بیان چگونگی گشایش سرزمین‌های کفار (دارالکفر) می‌پردازد. نویسندگان این کتاب‌ها اخباریان، فقها و محدثان بزرگ زمان خود مثل ابومخنف لوط‌بن یحیی، محمد عمر واقدی، مدائنی و بلاذری بودند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

1. martyrdom maqtal.

2. historiography of Conquest.

– نسب‌شناسی: ^۱ دانشی است که به تبار و شجره‌نامه قبائل و خاندان‌های عرب می‌پردازد و آن را علم انساب هم گویند. این دانش نخست متشکل از روایات شفاهی بود که با قبیله متولد می‌شد و همراه با آن تداوم و گسترش می‌یافت. انسایبان به رسم دیرینه قبائل و با استناد به آیات و روایات، بر اهمیت نسب تأکید می‌کردند و آگاهی آن را دانشی ارجمند و بلندپایه می‌دانستند (ابن حزم، ۱۴۰۳، ص ۲). بنیاد دیوان، گسترش فتوح، تأسیس شهرهای نوین و استقرار قبائل عرب در آنها، دانش نسب را گسترش داد و نسب‌شناسان بزرگی همچون دَعْفَل بن حَنْظَلَه سدوسی، عَوَانَة بن حکم و محمد بن سائب و هشام بن محمد سائب کلبی از آن جمله بودند.

– تشیع: ^۲ پس از رحلت رسول الله ﷺ گروهی شیعه نامیده شدند. ایشان هواخواه علی بن ابی طالب (علیه السلام) بودند و پیروی از وی را شیوه خود ساخته و به دیگران نگر ویدند (نوبختی، ۱۳۶۱ ش، ص ۴).

اهداف تحقیق

۱. از اهداف اصلی پژوهش، تبیین جایگاه هشام کلبی در تمدن اسلامی؛
۲. شناخت خاندان هشام و بررسی گرایش‌های سیاسی و مذهبی آنان؛
۳. نقد و بررسی وثاقت روایات هشام و مشایخ وی؛
۴. تبیین نقش هشام در تاریخ‌نگاری اسلامی؛
۵. تبیین نقش هشام در زمینه علم جغرافیا و بررسی ویژگی‌های جغرافیای نویسی وی؛
۶. تبیین نقش هشام در نسب‌شناسی و تحلیل آثار نسبی وی؛
۷. بررسی امکان احیای آثار مفقود شده هشام و تأثیر آثار وی بر دیگر متقدمان؛
۸. تبیین نقش هشام در مطالعات دین‌شناسی بر پایه کتاب الاصلنام.

پرسش‌ها و فرضیه‌ها

پرسش‌ها و فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش بدین شرح‌اند:
پرسش‌ها:

– آیا هشام کلبی در نسب‌شناسی صاحب سبک و مکتب بوده است؟

1. genealogy.

2. shiism.

- آیا هشام در زمینه جغرافیا سبک خاصی داشته است؟
- آیا هشام در مکتب تاریخ‌نگاری کوفه نقش تعیین‌کننده داشته است؟
- آیا آثار هشام کلبی قابل احیای مجدد هستند؟

فرضیه‌ها

- هشام کلبی در نسب‌شناسی دارای سبک مبسوط قبیله‌ای است؛
- هشام در علم جغرافیا صاحب سبک جغرافیای لغوی و توصیفی است؛
- هشام کلبی در مکتب تاریخ‌نگاری کوفه نقش محوری داشته است؛
- برخی آثار هشام قابلیت احیای مجدد دارند.

پیشینه تحقیق

تاکنون در مورد خاندان کلبی، به‌ویژه هشام‌بن‌محمد، مطالعات تحلیلی مستقلی صورت نگرفته است. در این راستا، تحقیقات پراکنده‌ای وجود دارند که در آنها به صورت جنبی، اشاره‌ای نیز به این خاندان شده است:

۱. ابن کلبی، الاصلنام (۱۳۶۴): مقدمه این کتاب مطالبی در مورد هشام و آثارش دارد. از این کتاب می‌توان در بررسی تاریخ‌نگاری دینی که هشام از پایه‌گذاران آن است استفاده کرد.
۲. آئینه‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی (۱۳۷۷): این کتاب ضمن بررسی تاریخ و دیدگاه‌های مسلمانان نسبت به آن، مکاتب و سبک‌ها و شیوه‌های تاریخ‌نگاری را نیز بررسی می‌کند. این کتاب در مبحث تاریخ‌نگاری نسب، اشاره‌ای به ابن کلبی می‌کند. در قسمت دیگر کتاب نیز ضمن بحث در مورد تاریخ‌نگاری مکتب عراق، مطالبی را درباره هشام مطرح می‌کند.
۳. کراچکوفسکی، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام (۱۳۷۹): در این کتاب ضمن بحث از مکتب‌های جغرافیایی طی چند سطر از مکتبی به نام جغرافیای لغوی بحث می‌کند و بیان می‌دارد که هشام کلبی در میان جغرافی‌دان‌های لغت‌شناس دارای رتبه اول است و این از لحاظ زمانی نیست، بلکه به دلیل دایره آگاهی او در این زمینه است.
۴. جواد علی (بی‌تا): مجموعه مقالات جواد علی در کتابی با نام ابحاث فی التاریخ الاسلامی، به کوشش نصیرالکعبی فراهم آمده است. در جلد دوم این مجموعه مقالات، مقاله‌ای از جوادعلی

با نام «محمور دراسة الكتب و نقدها- جمهرة النسب لابن الكلبي» در صفحه‌های ۴۱۱ تا ۴۲۳ آمده که به بررسی کتاب جمهرة النسب و نسخه‌های آن و سبک نسب‌نگاری کلبی می‌پردازد.

۵. قنوت، نقد و بررسی تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی تا سده هفتم هجری (پایان نامه، ۱۳۸۷): ضمن بررسی کتاب‌های تاریخ‌نگاری محلی در بخش نخستین کتاب‌های محلی ایران، به کتاب‌های فتوح اشاره دارد، از جمله در مورد هشام کلبی مطالبی را مطرح می‌کند.

۶. عزیزی، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد به فتوح ایران (۱۳۹۱): ضمن بررسی منابع فتوح‌نگاری در سه قرن اول هجری، در فصل سوم با نام فتوح‌نگاری‌های محلی و جغرافیایی طی ۹ صفحه درباره آثار، مشایخ و منزلت‌روایی و مذهب هشام کلبی توضیحاتی را بیان کرده است.

روش تحقیق و مراحل آن

مطالب این کتاب به شیوه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع اصلی فراهم آمده و آثار موجود و مفقود هشام بازخوانی شده و به تحلیل آنها پرداخته شده است، بدیهی است، برای تحلیل بهتر از تحقیقات نوین نیز بهره گرفته شده است.

معرفی، نقد و بررسی منابع

منابع مکتوب: مهم‌ترین منابع در تحقیقات علوم انسانی، منبع مکتوب محسوب می‌شوند. در این میان مأخذشناسی و ارزیابی کتاب‌های اصلی و قابل اعتماد، اساسی‌ترین وظیفه یک محقق است. نتیجه کار نیز درک دقیق روش مورخان و نگرشی عمیق، صحیح و همه‌جانبه به تاریخ است، لذا از آنجا که شواهد، اسناد و مدارک، اساس کار یک محقق تاریخ هستند؛ شناسایی منابع اصلی راهی است تا فرایندهای به‌دست آمده را محکم و استوار سازد. بررسی و شناخت منابع تحقیق گامی اساسی و مهم در هر تحقیقی است. با توجه به موضوع این کتاب که تبیین نقش هشام کلبی در تمدن اسلامی است، منابع مورد استفاده نیز متنوع هستند و کتاب‌های الفهرست، طبقات، رجال، فرهنگ‌نامه‌ها، فتوح و تاریخ‌های عمومی، جغرافیایی و... را شامل می‌شوند. در این بخش از کتاب منابع تحقیق معرفی و نقد و بررسی می‌شوند.

۱. قرآن کریم

قرآن کتاب هدایت و یکتاپرستی است. کتابی که برای راهنمایی و راه‌گشایی بشر نازل شده تا انسان به کمک آن مسیر هدایت را پیدا کند. قرآن کلام حق تعالی است که برای زمان خاصی نازل نشده است، بلکه گذشته و آینده و نیز همه لحظه‌های زندگی بشر را می‌تواند در برگیرد. قرآن کریم بسیاری از موارد زندگی عرب جاهلی و تاریخ عرب، پرستش‌ت‌ها، نام و نسب قبائل عربی و بسیاری از موارد دیگر را در خود جای داده است. در این تحقیق آیاتی از قرآن که در ارتباط با موضوع بودند، بیان شده است.

۲. فهرست‌ها

فهرست، معرب پهرست^۱ در زبان پهلوی، جدولی شامل ابواب و فصول کتاب در ابتدا یا انتهای آن و معنای دیگر آن، صورت اسامی چیزی است (معین، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵۸۷)؛ اما فهرست در اصطلاح مرجع‌شناسی، به معنای نشانی‌های جامعی است که به‌طور طبقه‌بندی شده‌اند ما را به دانش‌های بشری در کتاب‌ها و مجله‌ها راهنمایی می‌کنند. علم فهرست‌نویسی علم جداگانه‌ای است که از خصوصیات و مشخصات کتاب‌ها بحث می‌کند. فضل تقدم تدوین کتابی که از دیدگاه مرجع‌شناسی فهرست شناخته می‌شود، با دانشمند مسلمان، ابوالفرج محمد ابن اسحاق، معروف به ابن‌ندیم است (ستوده، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳).

الف) فهرست ابن‌ندیم

کتاب فهرست یا فهرست فی اخبار العلماء و المصنفین من القدماء و المحدثین و اسماء ما صنفوه من الکتب، از ابوالفرج محمد ابن‌ابی‌یعقوب اسحاق ندیم وراق (م ۳۸۰ق/ ۹۹۰م) است. این کتاب بزرگ‌ترین اثر کتاب‌شناختی در حوزه تمدن اسلامی که در سال ۳۳۷ق تألیف شده است. ظاهراً ابن‌ندیم بعد از این تاریخ نیز برخی اطلاعات را بر آن افزوده است. فهرست، کتابی است یگانه که مؤلف فهرست آثار پدید آمده در تمدن اسلامی طی چهار قرن را در آن فهرست کرده و برجسته‌ترین اثر کتاب‌شناسانه علمی را برای آثار تولید شده در جهان اسلام تا روزگار خود، در چارچوبی علمی و روش‌مند تدوین کرده است. درباره مورخان و آثار تاریخی آنها

1. pehrest.

کارهای فراوانی شده است. نخستین فهرست موجود از نام مؤلفان مسلمان در انواع رشته‌های این دانش در الفهرست ابن‌ندیم آمده است. مقاله سوم این اثر به شرح حال مورخان و نسب‌شناسان اختصاص یافته است. گرچه در مقالات دیگر نیز می‌توان از برخی مورخان و آثارشان سراغ گرفت. هدف از این کار گزارش و سنجش تولیدات فکری اسلامی و نقش عالمان مسلمان در تولید آثار علمی در تمدن اسلامی است. کتاب الفهرست اثری بی‌مانند در زمینه گزارش جنبش علمی تألیف و تدوین در دنیای اسلام طی چهار قرن نخست اسلامی است. این کتاب در ده مقاله تدوین شده است. ابن‌ندیم به دلیل داشتن شغل و رزاقی، با بسیاری از کتاب‌ها آشنا بوده و با دقت و درایت کافی به تدوین این اثر سترگ دست یازیده است. اکنون بسیاری از اطلاعات کتاب‌شناسی ما تا قرن چهارم تنها و تنها مدیون این کتاب است (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۱۱). این کتاب می‌تواند به منزله یک راهنما برای ما باشد چون ابن‌ندیم با معرفی هر فرد، فهرستی از آثار او را نیز بیان می‌کند. ابن‌ندیم در مقاله اول، سوم و هشتم درباره کلبی و آثار وی سخن گفته است.

ب) رجال نجاشی

رجال نجاشی با نام اصلی فهرست أسماء مصتفی الشیعة را، ابوالحسین احمد بن علی بن احمد ابن عباس بن محمد ابن عبدالله اسدی صیرفی، معروف به نجاشی و ابن کوفی (۳۷۲ق-۴۵۰ق) تألیف کرده است. این کتاب که از برجسته‌ترین منابع رجال شیعه است دومین کتاب از کتاب‌های پنج‌گانه رجال به‌شمار می‌رود. وی این کتاب را در برابر شبهات مخالفان مبنی بر اینکه تشیع از لحاظ اصل و اساس علمی هیچ منبع معتبری ندارد، تألیف کرده و در آن به شرح حال اجمالی راویان شیعه و اسامی کتاب‌های آنها پرداخته است. با توجه به این توضیح روشن می‌شود که نجاشی فقط نام راویانی را آورده که کتابی از آنها بر جای مانده، یا کتابی به آنها نسبت داده شده است؛ اما نام دیگر راویانی که کتابی تألیف نکرده و با این حال در شمار راویان احادیث نبوی و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بوده‌اند، در این کتاب نیامده است. از ویژگی‌های مهم رجال نجاشی آن است که مؤلف آن در علم نسب‌شناسی تبصر ویژه داشته و نسب راویان را به خوبی بیش از دیگر رجال‌نویسان می‌شناخته و همت خود را در سراسر عمر صرف این کار کرده است؛ از این رو، دقت‌های رجالی او با دیگر کتاب‌ها قابل مقایسه نیست. او این کتاب را در اواخر عمرش نگاشته، یعنی پس از شصت سال کسب علوم مختلف به تدوین و تألیف

احوال راویان پرداخته است؛ نجاشی بسیاری از این مطالب را به طور مستقیم از حضور استادان برجسته فن رجال، مثل ابن غضائری و ابن نوح کسب کرده است در حالی که رجال نویسان دیگر از حضور چنین استادانی بی بهره بوده‌اند. این کتاب در بردارنده نام و شرح حال اجمالی هزار و ۲۶۹ نفر از راویان و مؤلفان مهم شیعه است که در ذیل نام هر شخص، غالباً او را از حیث مذهب، وثاقت در روایت و تألیف کتاب توصیف کرده است. همچنین جایگاه و اعتبار بسیاری از کتاب‌ها نزد علما و ائمه (علیهم‌السلام) نیز ذکر شده است. نجاشی این کتاب را نه براساس سال و تاریخ راویان و مؤلفان، بلکه به ترتیب حروف الفبا مرتب ساخته و هر حرف و هر نامی را یک باب قرار داده است. او پس از پایان ابواب حرف یاء، باب دیگری با عنوان «من اشتهر بکنیته» افزوده و راویان و مؤلفانی را در آن گردآورده که یا نام‌شان ذکر نشده، یا اگر هم ذکر شده، با لقبشان شهرت دارند. در میان شخصیت‌هایی که نجاشی آنان را بررسی کرده، نام هشام بن محمد کلبی به چشم می‌خورد. اطلاعاتی که از طریق نجاشی در مورد هشام داده شده‌اند بسیار با ارزش‌اند. آثاری چون الفهرست ابن ندیم، در مورد هشام اطلاعات خوبی به دست می‌دهند؛ اما کامل نیستند. نجاشی در کتاب خود ضمن بحث درباره هشام، نام برخی کتاب‌های هشام را که در منابع دیگر نیامده‌اند معرفی می‌کند که با استفاده از این کتاب می‌توان فهرست آثار هشام را کامل کرد.

۳. کتاب‌های طبقات

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی، ضبط و تدوین اخبار تاریخی و فرهنگی و علمی، طبقات‌نویسی است. طبقه، به معنای لایه و دوره زمانی است. شرح حال اشخاص را که در یک لایه زمانی و مکانی قرار می‌گیرند، طبقه می‌گویند (منتظرالقائم، ۱۳۸۰، ص ۱۸). در شیوه طبقات، اطلاعات تاریخی ذیل نام افراد آمده‌اند. سابقه شیوه طبقات‌نگاری به اواخر قرن دوم هجری باز می‌گردد؛ اگرچه به نظر می‌رسد نویسندگان طبقات، کتاب‌های خود را صرفاً با هدف تاریخ‌نگاری و به عنوان آثار تاریخی نوشته‌اند و این کتاب‌ها به ظاهر برای علم الحدیث نگاشته شده‌اند؛ اما می‌توان بسیاری از اطلاعات بسیار ارزشمند فرهنگ‌نامه‌ای و تراجم را در مورد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی در لابه‌لای آنها به دست آورد.

الف) الطبقات الکبری ابن سعد

ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع، مشهور به کاتب واقدی (۱۶۸-۲۳۰ق) مورخ و سیره‌نویس مشهور بغدادی، از موالی حسین بن عبدالله، نواده عباس عموی پیامبر ﷺ بود. ابن سعد از نخستین سیره‌نویسانی است که در غیر مدینه نشئت یافتند؛ چه آنکه غالب سیره‌نویسان پیش از او، چون ابن اسحاق و واقدی، مدنی‌اند. او از جمعی از برجسته‌ترین مشایخ بصره، کوفه و بغداد، چون هشیم بن بشیر، اسماعیل بن علی، وکیع بن جراح، سفیان بن عیینة، هشام کلبی، هشیم بن عدی و ابونعیم فضل بن دکین، روایات تاریخی و حدیث فرا گرفت. وی مدتی نیز در مدینه اقامت گزید و از مشایخ آن دیار چون معن بن عیسی، محمد بن اسماعیل بن ابی فدیك و ابوحمزه انس بن عیاض، استماع کرد. ابن سعد از برخی مشایخ مکی چون احمد بن محمد ازرقی و سعید بن منصور حدیث شنیده است. او در بغداد به حلقه درس محمد بن عمر واقدی پیوست و از خواص شاگردانش شد، به طوری که به کاتب واقدی شهرت یافت.

کتاب الطبقات الکبری، از قدیمی‌ترین آثار در زمینه طبقات و مشتمل بر تاریخ دو قرن نخست اسلامی، آگاهی‌های جامع و گسترده‌ای درباره صحابه و تابعین و عالمان تا زمان مؤلف است. این کتاب از طریق دو شاگرد مؤلف، حارث بن محمد بن ابی اسامه (م ۲۸۲ق) و حسین بن محمد بن فهم (م ۲۸۹ق) به دست ما رسیده است. مطالب آن بسیار قابل توجه و در موارد بسیار منحصر به فرد هستند. ابن سعد نخست آگاهی‌هایی در مورد نسب شخص به دست داده و پس از اخبار مربوط به او، از قیافه و آرایش و لباس سخن می‌گوید که این قبیل آگاهی‌ها در منابع دیگر کمتر یافت می‌شوند. به همین جهت کهن‌ترین آگاهی‌های شمایل‌شناسانه پیامبر اکرم ﷺ و صحابه و تابعین را باید از این کتاب دانست.

ب) الطبقات خلیفة بن خیاط

خلیفة بن خیاط العصفری مشهور به شهاب (م ۲۴۰ق) از مورخان پرکار سده سوم هجری است. طبقات ابن خیاط برخلاف اختصار به دلیل دانش گسترده تاریخی، گونه‌هایی از تاریخ فرهنگی جهان اسلام را تبیین می‌کند. وی در تدوین کتاب خود، بر سه اصل نسب، طبقه و زادگاه صاحب طبقه تکیه داشته است. وی صحابه را در یک طبقه جای داده ولی تابعین را بر حسب تقدم و تأخر تدوین کرده است.

روش مؤلف حدیثی است و مقید به نقل سندها حتی در جزئیاتی مانند وصف خصایص شخصی افراد است. مشایخ او در این کتاب نزدیک ۲۵۰ نفر شمارش شده‌اند. دو جلد از چاپ هشت جلدی این کتاب به سیره رسول الله ﷺ اختصاص دارد؛ اما ابن سعد در همین جا پس از ذکر مولد رسول خدا ﷺ به اختصار از پیامبران پیشین سخن گفته و سپس درباره نیاکان پیامبر اسلام ﷺ، احوال او تا رحلت، خصایص و صفات او، داستان زندگانی آن حضرت در دوران بعثت، هجرت، جنگ‌ها و جمع قرآن در عصر مدنی، سرایا، وفود و نامه‌های رسول خدا ﷺ به سران قبائل و دولت‌ها سخن رانده است. جلد‌های سوم تا هفتم کتاب به احوال صحابه و تابعین و تابعین تابعین اختصاص دارد و جلد هشتم، شرح احوال زنان، به‌ویژه زنان صحابی و محدث و مشهور مهاجر و انصار است. ابن سعد در ترجمه صحابه، آنان را به پنج طبقه تقسیم کرده و مبنای تقدم را ایمان و فضل و شرف افراد قرار داده است. در نسب نخستین طبقه که اصحاب بدر هستند، از نزدیکان رسول الله ﷺ، یعنی خاندان هاشم آغاز کرده و در مورد هر شاخه، ابتدا افراد اصلی آن را نوشته سپس هم‌پیمانان و موالی آنان را ثبت کرده است. این کتاب به لحاظ ساختار، اطلاعاتی درباره شهرهای مختلف و حضور صحابه و تابعین در آنها و مهاجرت برخی قبائل به شهرها به دست داده و کتابی رجالی به‌شمار می‌آید؛ چون در شرح حال افراد، به مدح و ذم و ثقه یا غیر ثقه بودن عالمان و محدثان می‌پردازد. مؤلف، طبقات را برحسب زمان و سبقت در اسلام و شرکت در حوادث مهم تنظیم کرده است. برای مثال، در طبقه صحابه، نخست از مهاجران حاضر در بدر و انصار بدری و سپس مسلمانان غیر بدری یاد کرده که این به جهت فضل حضور در پیکار بدر بر دیگر غزوات است؛ اما دخالت عنصر مکانی بدین شکل است که مؤلف هر طبقه را بر حسب شهرهایی که صحابه و تابعین در آنجا ساکن شده‌اند مرتب ساخته و از مدینه، مکه، طائف و یمن آغاز کرده و به کوفه و بصره و شهرهای ایران و شام و مصر رسیده است. هر طبقه در این کتاب تقریباً یک دوره سی ساله را در بر می‌گیرد. اشکال این روش، یعنی طبقه‌بندی براساس زمان و مکان آن است که ترجمه بعضی افراد در دو موضع ذکر شده است. برای مثال، ممکن است یکی از صحابه در زمره اهل بدر و در شمار صحابه ساکن فلان شهر ذکر شود.

یکی از منابع ابن سعد در نگارش کتاب طبقات آثار هشام کلیبی است. بررسی کتاب طبقات روشن می‌کند که ابن سعد، در موارد بسیاری از هشام استفاده کرده است؛ مانند اخبار پیامبران،

اخبار در مورد سیره رسول خدا ﷺ و اولاد او و امهات النبی، اخبار فراوانی در مورد وفدهایی که در مدینه منوره به حضور رسول الله ﷺ رسیده‌اند، این اخبار در شناخت بیشتر آثار هشام، منبع مهم و مفید می‌باشد.

۴. فرهنگ‌نامه‌ها

در فرهنگ‌نامه، شرح احوال اشخاص ذیل مدخل‌های مشخص تدوین شده و اطلاعات تاریخی ذیل نام صاحب مدخل جمع‌آوری می‌شود. فرهنگ‌نامه، ثمره منحصربه‌فرد و یگانه فرهنگ اسلامی است. به نظر می‌رسد فرهنگ‌نامه در اصل مولود دو رشته آموزشی اسلامی، حدیث و تاریخ است و نیاز به تراجم دقیق و موثق راویان حدیث و تراجم خلفا، امیران نظامی، مقامات دولتی و افرادی مانند ایشان، سبب نگارش فرهنگ‌نامه‌ها شد. زمانی که فرهنگ‌نامه‌نویسی رشد کرد، به کمک دو رشته آموزشی حدیث و تاریخ آمد و با هدف دینی یا هدف دنیوی به خدمت گرفت. (Khalidi, T. (1973), Islamic Biographical dictionaries: A preliminary Assessment. The Muslim world, volume: 36 p: 53-65, doi: 1111/j. 1478-1973. Tbo31040X. Issue. Published online: Apre 2007).

الف) معجم‌الادباء یاقوت حموی

این کتاب یکی از فرهنگ‌نامه‌های تاریخی است که یاقوت حموی جغرافی‌دان و مورخ و نسب‌شناس بزرگ اسلامی آن را در بیست جزء تألیف کرده است. یاقوت حموی علت نگارش فرهنگ‌نامه خود، معجم‌الادباء را چنین بیان می‌کند: هرچند بهتر است تمام زندگی خود را صرف دین کند، اما دیگر شاخه‌های معرفت نیز باید مجال رشد یابند، به‌ویژه آن شاخه‌هایی که دانستن آنها موجب تقویت اسلام می‌شود. بدین‌سان، فرهنگ‌نامه‌نویسی را موجب استحکام و قدرت اسلام دانسته است. یاقوت در مدخل‌ها اغلب سابقه اجتماعی، علاقه و دیدگاه خود را درباره صاحب مدخل وارد می‌کند. یاقوت در جزء نوزدهم کتاب خود، زندگی‌نامه هشام را آورده و جایگاه علمی و فهرست آثار وی را از قول ابن‌ندیم بیان می‌کند و از قول رجال‌نویسان او را متروک‌الحدیث و غیرثقه معرفی کرده است (یاقوت حموی، ۱۴۱۴، جزء ۱۹، ص ۲۸۷، ش ۱۱۲).

ب) وفيات الاعيان ابن خلکان

تألیف شمس‌الدین احمد بن محمد بن خلکان، از آثار گرانبهای تراجم به‌شمار می‌رود. این کتاب نخستین فرهنگ‌نامه تاریخی است که مؤلف آن را کتابی مختصر در تاریخ خوانده و متذکر شده که اشتیاق به اطلاع از اخبار گذشتگان و احوال دانشمندان و رجال علم و سیاست او را واداشته تا سالیان دراز به تهیه و نگارش مواد اولیه این تألیف و سماع از دانشمندان مطلع و ثقة درباره اخبار و احوال این مشاهیر و حوادث سیاسی قلمرو اسلام پردازد (ابن خلکان، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۲۰). کتاب وفيات تنها درباره دانشمندان و خلفا و امیران نیست؛ بلکه از هرکسی که میان مردم شهرتی داشته و اخبار و احوالش می‌توانسته مورد علاقه و تفحص واقع شود؛ سخن به میان آمده است. ابن خلکان در تألیف کتاب خود از منابع متعددی استفاده کرده است؛ چنان‌که خود آورده هیچ کتابی از مشهور و غیر مشهور در دست مردم نبوده که من از آن استفاده نکرده باشم. این بیان ممکن است مبالغه‌آمیز باشد ولی قدر مسلم آن است که امروزه نام و نشانی از برخی منابع مهمی که ابن خلکان در وفيات به آن اشاره کرده در دست نیست و منقولات ابن خلکان از آنها، برای شناخت عنوان و مضمون آن کتاب‌ها بسیار حائز اهمیت است. این کتاب شامل ترجمه حدود ۸۲۶ نفر از مشاهیر برحسب حروف الفبا و براساس نام صاحبان تراجم تنظیم شده؛ از ابراهیم النخعی آغاز و به یعقوب لیث صفار ختم شده است. برای بررسی شرح حال هشام و دیدگاه‌های ارائه شده در مورد او و زمینه‌های علمی هشام این کتاب مورد توجه و استفاده قرار گرفت. ابن خلکان شرحی نیز درباره پدر هشام، ابوالنضر محمد بن سائب و جایگاه علمی وی و آثارش نگاشته و او را پیشوای علم تفسیر و نسب دانسته است (ابن خلکان، ۱۳۹۷ق، ج ۴، ص ۳۰۹، ش ۶۳۴).

۵. کتاب‌های انساب

منظور از کتاب‌های انساب کتاب‌هایی است که به بیان اسلاف و اخلاف افراد می‌پردازد و موجب شناخت تبار و دودمان می‌گردد. دانش انساب با قبیله متولد می‌شود و نسل اندر نسل همراه با آن تداوم می‌یابد؛ ولی اسلام افتخار جستن به نسبت و عصبيت به قبیله را مطرود می‌داند و احترام به خانواده، والدین و صله رحم را تأکید کرده است. تشریح خمس، اهمیت انساب در تدوین دیوان در عصر خلیفه دوم و استقرار قبائل در شهرهای بصره و کوفه موجبات گسترش علم انساب را فراهم کرد. منابع انساب را می‌توان به دو گروه کتاب‌های انساب عمومی

و انساب قبائل خاص تقسیم می‌گردند. از جمله کتاب‌های انساب عمومی، آثار محمدبن هشام کلبی و ابو عبید قاسم بن سلام و ابن حزم اندلسی هستند.

الف) جمهرة النسب هشام کلبی

جمهرة النسب یا به نوشته ابن خلکان جمهرة فی معرفة الانساب، گرامی‌ترین و نافع‌ترین کتاب هشام کلبی است (ابن خلکان، ۱۳۹۷، ج ۶، ص ۸۲، ش ۷۸۲). جمهره، معروف‌ترین کتاب در نسب‌شناسی است. این کتاب با دو روایت؛ یکی با روایت محمدبن حبیب و دیگری روایت ابی سعید سکری از محمدبن حبیب، به دست ما رسیده است. در مقدمه‌ای که عبدالستار احمد فراج بر کتاب نوشته آورده است که این نسخه همان است که در کتابخانه بریتانیا اصل آن با شماره ۲۳۲۹۷ نگهداری می‌شود. این نسخه از سیده خیاط در آوریل سال ۱۸۶۰م، خریداری شده است. این نسخه با تصحیح احمد فراج با نام جمهرة النسب لابن کلبی روایت ابی سعید السکری عن ابن حبیب و مختصر الجمهرة و حواشیه به چاپ رسیده است. نسخه دیگری از جمهرة النسب را محمد فردوس العظم تصحیح کرده که با روایت ابن حبیب است؛ ولی به نظر می‌رسد این کتاب روایت صرف از هشام نباشد؛ اما اکثریت و سبک و سیاق آن همان کتاب هشام است. کتاب جمهرة النسب که هم‌اکنون موجود است، در سه مجلد یا در سه جزء چاپ شده و مصححان به گونه‌ای متفاوت مطالب آن را فهرست کرده‌اند و شیوه واحدی برای فهرست مطالب این کتاب وجود ندارد؛ ولی مطالب جمهره شامل نسب قبائل مضری، یمنی، قضاعه و ربیعه است. بخشی از این کتاب تا نسب کنانه بن خزیمه در سال ۱۹۸۳م/۱۴۰۳ق و به کوشش عبدالستار احمد فراج در کویت به چاپ رسیده است. در سال ۱۹۸۶م/۱۴۰۷ق، نیز ناجی حسین کتاب را در سه جزء در بیروت منتشر کرد. نسخه‌ای نیز به کوشش محمود فردوس العظم در سال ۱۹۸۶م، در دمشق چاپ شده است.

جمهرة النسب با توجه به اهمیتی که داشته است مورد استفاده نسب‌نگاران بعدی قرار گرفته است و برخی نسب‌شناسان از آن استفاده کرده و کتاب خود را براساس آن نوشته‌اند و بعضی دیگر اقدام به تلخیص آن نموده‌اند. اهمیت این کتاب برای این تحقیق از آنجاست که این کتاب در شمار تنها آثار بازمانده از هشام است و برای بازنگری و فهم روش نسب‌نگاری هشام بسیار اهمیت دارد. با استفاده از این کتاب می‌توان نقش هشام را در مکتب نسب‌نگاری عراق و شیوه کار او را در این رشته علمی تبیین کرد.

ب) انساب الاشراف بلاذری

انساب الاشراف، عنوان اثری از احمد بن یحیی بن جابر بلاذری است که در مورد تاریخ اسلام و انساب عرب نوشته شده است. از نام این کتاب این نکته به ذهن متبادر می‌شود که این کتاب در موضوع انساب نوشته شده است؛ اما باید گفت این کتاب موارد فراوانی از اطلاعات تاریخی با خود همراه دارد به گونه‌ای که در مقام مقایسه اطلاعات نسب‌شناسانه آن حجم کمتری را در بر می‌گیرد.

بلاذری پس از بیان نسب نوح علیه السلام و فرزندان او، به ذکر انساب عرب می‌پردازد. او به خاطر احترام به مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله نسب بنو عدنان و یک‌یک نیاکان ایشان را نام می‌برد. جزء اول کتاب به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر بعثت و هجرت اختصاص داده شده است. در پایان این بخش تحت عنوان امر سقیفه، ۲۳ روایت به جریان سقیفه اختصاص می‌دهد. پس از سیره نبوی بزرگ‌ترین قسمت این کتاب مربوط به دوره خلافت امام علی علیه السلام تا شهادت آن حضرت مربوط می‌شود. در بخش دیگر به زندگی و تاریخ خلافت امام حسن علیه السلام و فرزندان او و سپس به زندگی و نهضت امام حسین علیه السلام و فرزندان او می‌پردازد. بعد از ذکر انساب بنی هاشم، نسب بنی عبدالشمس و بنی امیه و دوران خلافت عثمان و سپس نسب بنی عباس و خلافت آنان بیان می‌شود و بدین‌گونه نسب قریش پایان می‌پذیرد.

اگر بخواهیم این کتاب را از نظر موضوعات و حجمی که در کتاب به آنها اختصاص داده شده دسته‌بندی کنیم، بیشترین حجم به بنی هاشم اختصاص داده شده است و پس از آن بنی امیه‌اند و نسب بنی عباس در مرحله پایانی قرار دارد.

این کتاب اگرچه با نظامی نسب‌شناسانه و به ترتیب انساب خاندان‌ها مرتب شده است؛ اما حوادث تاریخ اسلام به شکل ترتیبی هستند و به گونه‌روایی نگاشته شده‌اند. این کتاب با حجم بالایی از موارد نسب‌شناسی و تاریخی که دارد، بیشتر زمینه‌های کاری هشام کلبی را در خود حفظ کرده است و می‌توان بسیاری از اخبار و روایات هشام را در لابه‌لای مباحث این کتاب به دست آورد.

ج) الانساب سمعانی

ابوسعبد عبدالکریم بن محمد بن منصور سمعانی مروزی (۵۰۶-۵۶۲ق) نویسنده کتاب الانساب است. سمعان، فردی از قبیله تمیم بوده که احتمالاً به جهت فتوحات به مرو مسافرت کرد و نسل او در آنجا زیاد شدند، به گونه‌ای که به عنوان تیره‌ای از تمیم شناخته شده‌اند (سمعانی، ۱۳۸۲/۱۹۶۲، مقدمه، ص ۱۴). وی در سال ۵۰۶ در خاندانی از اهل علم در مرو

متولد شد. در حالی که پدرش چهل سال و اندی بیش نداشت برای آنکه نام فرزندش را در زمره محدثان ثبت کند تعجیل کرد گویا نزدیک بودن مرگ خود را احساس می‌کرد. لذا از دو سالگی فرزند را به مجالس محدثان می‌برد و حتی در مسافرت‌ها نیز او را همراه خود داشت و برای عبدالکریم از بزرگان محدثین خبر می‌شنید. عبدالکریم در ۲۲ سالگی سفرهای علمی خود را آغاز کرد. او در مرحله اول سفر خود به نیشابور رفت و پس از سماع کتاب صحیح مسلم، مسافرتی را آغاز کرد که چندین سال طول کشید و در این مدت به مراکز علمی دنیا از خراسان، اصفهان، ماوراءالنهر، عراق، حجاز، شام و طبرستان رفت و بیت المقدس را که در دست مسیحیان بود زیارت کرد و دو بار حج گزارد (سمعانی، ۱۳۸۲/۱۹۶۲، مقدمه، ص ۱۵). علاوه بر پدر، دو عمو و وصی پدرش، استادان سمعانی بودند (سمعانی، ۱۳۸۲/۱۹۶۲، مقدمه، ص ۱۷). سمعانی در مقدمه الانساب روش خود را در نگارش کتاب چنین آورده است: «کتاب من براساس ترتیب الفبائی نام شهرها، قبیله‌ها یا قریه‌ها تنظیم شده است. آنگاه در زیر نام هر شهر یا قریه یا قبیله، سعی کرده‌ام نام رجال و علمای آنها را همراه با مختصری از شرح حال و سیره آنها بنگارم. سمعانی مسافرت‌های فراوانی به شهرها، روستاها و سرزمین‌های مختلف کرده و با عالمان و محدثان و انسایان و مورخان بسیاری دیدار و گفتگو کرده است، سپس با تنظیم دیده‌ها و شنیده‌های خود، قسمت اعظم کتاب الانساب را سامان داده است. برای مثال در جایی نوشته: «کتبت عنه من حفظه»؛ به سخن دیگر، بیشتر منابع الانساب به صورت شفاهی بوده‌اند. این کتاب در نویسندگان بعدی اثر فراوانی داشته است؛ به گونه‌ای که مؤلفانی دست به تلخیص این اثر زده‌اند. این کتاب را ابن اثیر تلخیص کرده و کتاب اللباب نتیجه آن است. کتاب دیگر، اثری است از قطب‌الدین محمد بن عبدالله خضیری دمشقی شافعی که با تلخیص این کتاب، الاکتساب را نوشته است (سمعانی، ۱۳۸۲/۱۹۶۲، مقدمه، ص ۷). کتاب الانساب با مقدمه در مورد اهمیت نسب آغاز می‌شود و شروع آوردن نسب افراد با نسب حضرت محمد ﷺ است بعد از آن نسب بنی‌هاشم و نسب بقیه قریش می‌آید. پس از آن نسب عرب و اصل و ریشه عرب بررسی می‌شود و سپس انساب قبائل معدی و نسب اعراب جنوبی را بررسی می‌کند و به طور خلاصه فصل‌هایی را به اهمیت نسب و شناخت انساب مربوط می‌کند و به ترتیب الفبائی به امر نسب می‌پردازد. این کتاب در راستای آثار نسب‌نگاری هشام و میزان تأثیر او بر منابع متأخر اهمیت بسیار دارد، زیرا سمعانی حجم بسیاری از روایات هشام را در کتاب خود جای داده است.